



محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی در دیدار با مردم مسلمان شبیر:

## کسی که از مردم خود جدا شود، سرنوشتش همراه با ذلت است

• آرزوی ما این است که مردم خود را در کنار سایر اقوام و ملیتهای کشور، در نضای برادری و برابری مشاهده کنیم.

\* مقاومت مردم ما را همواره دشمنان داخلی شکست داده است. \* با پیروزی در بامیان، همه سنگرهای نظامی و سیاسی مردم خود را دوباره فتح کرده ایم.

ناپردی حزب میگردد. ایشان افزودند: انکاء حزب وحدت به مردمش و نیز حمایت مردم از این حزب، واقعیتی است که همه دوستان و دشمنان مردم ما به آن اعتراف دارند. در غرب کابل، مقاومت بی نظیر و فراموش نشدنی مردم بود که حماسه های جاودانی را به تاریخ سپرد و برای همه جهانیان ثابت کرد که حذف و نادیده گرفتن این مجموعه بزرگ و قدرتمند انسانی در افغانستان (ص ۲)

تخت صحبت های خوش با ابراز سیاسی از همدردی آگاهانه مردم شبیر، پیروزی چشمگیر مدافعین عزت و شرف مردم را موهون زحمات و فداکاریهای همه مردم و رزمندگان دانسته، بر یگانه گی رابطه حزب و مردم تأکید کردند و گفتند: یکی از افتخارات و سرلندی های حزب وحدت، این است که متکی به حمایت بیدریغ مردم خود بوده و معتقد است که از هم گسیختن این رابطه متقابل باعث مرگ و

به تاریخ ۷۴/۸/۹، محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن صحبت دوستانه با مردم مسلمان علاقه داری شبیر، جزئیات پیروزی نیروهای ضد فاشیستی در بامیان- پروان، مواضع حزب وحدت اسلامی در قبال حوادث و جریانات سیاسی کشور و نیز مسؤلیت های ملی و اسلامی مردم را مفصلاً توضیح دادند. به گزارش خبرنگار «صفحه نو» محترم استاد خلیلی در قسمت

### در این شماره

متن کامل سخنرانی محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی

در مراسم تجلیل از شهدا - یکاوانگ (قسمت چهارم) ما همه مردم خود را گل یک سبد میدانیم، میوه یک باغ و ثمر یک درخت میدانیم، همه یاور و برادر هم هستیم. اختلالات قومی، نژادی و منطوقی مسایلی اند که دشمن میخواهد از آنها بهره برداری کند و این را مردم ما باید جداً متوجه باشند که سرنوشت شان یک سرنوشت است. صفحه ۲

تشیع در باری،

از خیانت مذهبی تا برده گی سیاسی

ما وحدت ملی را در افغانستان یک اصل میدانیم و اگر کسی - دانسته یا ندانسته - آن باورهای غلط را که نقض کننده وحدت ملی راستین است، مطرح کند، برای ملت ما ذلت آفریده است. صفحه ۵

فاشیزم کابل:

یک حاکمیت؛ دو انحصار

دوگانه گی حاکمیت از نگاه سیاسی و نظامی در کابل، همانطوریکه این حاکمیت فاشیستی را در برابر خواست سیاسی تمام اقشار ملت قرار داد، همانطور هر طرح سیاسی را نیز منبجز به شکست میسازد. صفحه ۵

اطلاعیه کانون فرهنگی رهبر شهید

و شورای نویسندگان «امروز ما»

کانون فرهنگی رهبر شهید با همکاری شورای نویسندگان «امروز ما» به مناسبت اولین سالگرد شهادت پیشوای شهید مردم، «عبدالعلی مزاری»، ویژه نامه یی را به نشر میرساند. از عموم خواهران و برادران صمیمانه تقاضا به عمل می آید که اشعار، مقالات، خاطرات، طرح های ادبی- هنری، عکس و... خوش را به آدرس کانون فرهنگی رهبر شهید ویا اداره «امروز ما» بفرستند. آدرس کانون فرهنگی:

I/9 - P.O. Box: 117  
Islamabad- Pakistan

### در جریان جنگ بامیان

## یک نفر تانکیست و مقدار زیادی اسلحه و مهمات ایرانی به دست نیروهای ضد فاشیستی افتاد

\* تانکیست ایرانی برای کمک به جبهه فاشیستی عازم بامیان شده بود.

سلسل های دو تبضه یی و مهمات ایرانی، نشانه دخالت مستقیم ایران در جنگهای هزاره جات است. ص ۶

محترم استاد عرفانی، معاون اول دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبرنگار ستاد تبلیغی رهبر شهید:

## اشترک تمام اقشار و ملیت های کشور در ساختار حکومت آینده مهمترین اصل میباشد

• ما خواهان حکومتی هستیم که در آن تبعیض، انحصارطلبی، خودمهوری و ننی دیگران نباشد. (ص ۴)

• با تمام گروه های مخالف حاکمیت انحصاری در حال تقاضا هستیم. \* طالبان باید شرایط حزب وحدت را بپذیرند و آن را محس سازند.

محترمه لطیفه و صدی، د کابل پوهنتون د ادبیاتر استاد د صفحه نو د خیربال سره په مرکه کی:

## کابل حکومت د تباهی تر سرحدده پوری قدرت نه پریردی

بیاد آندیشنه

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

تاسیس ۱۳۹۴

## چرا فاشیستان آشتی ناپذیر اند؟

بی جهت نیست که رهبران فاشیستان را با ازبایای دندانهای جسد سوخته، نان شناخته اند و با اصلاً بعد از نکت مطلق، نه زنده، نان معلوم بوده است و نه برده، نان!

و انحصار قدرت و برای حفظ این اصول، توسل به جنگ و خونریزی، دیگر پیام برای ملت افغانستان نداشته است. انحصار فاشیستی حاکمیت سیاسی، آنهم در چوکات حاکمیت مطلقاً سکتاریستی و نظامی، اگر از یک جهت موجودیت اندیشه های سیاسی غیر انسانی را در متن سیاست جامعه نشان میدهد، از جهت دیگر از لحاظ تاریخی، موجودیت نظام سیاسی بی را بیان میدارد که چگونه بر معیار بیعدالتی زمینه ساز رشد احزابی بوده است که با استفاده از محرومیت سیاسی اقشار ملت، در سطح یک نظام سیاسی رسیدند و در اولین فرصت، عقده های فاشیستی خویش را در برابر محروم ترین اقشار ملت گشودند. آشتی ناپذیری فاشیستان محصول اخلاق تبعیضی و عظمت طلبی های نژادی و اجتماعی است که وقتی صاحب پشترانه فاشیزم سیاسی گردید، به میکانیزمی تبدیل میشود که تا آخرین رمق برای ترک انحصار و پذیرش حقوق انسانی جوامع دیگر، آماده نیست. بی جهت نیست که رهبران فاشیستان را یا از بقایای دندانهای جسد سوخته آنها شناخته اند و یا اصلاً بعد از شکست مطلق نه زنده، شان معلوم بوده است و نه مرده، شان. (صفحه نو)

چرا فاشیستان آشتی ناپذیر اند، سوابقیت هم علت اجتماعی دارد، هم علت سیاسی و هم علت روانی. انگیزه اجتماعی آشتی ناپذیر بودن یک گروه سیاسی، همانا روحیه خود بزرگ بینی بی است که سازمان های سیاسی فاشیستی مثل آن میشوند. وقتی فاشیزم در چوکات سیاسی به پشترانه تبعیض نژادی تبدیل شد، روحیه خود بزرگ بینی به مشابه اخلاقی مطرح میگردد که هیچکس به ماهیت ضد اخلاقی و ضد انسانی آن پی نمیرد. آشتی ناپذیری، ناشی از سیاستی است که در عقب آن روحیه تبعیض نژادی و عظمت طلبی های اجتماعی قرار دارد. فاشیزم کابل، درمدت حکمروایی خویش، صرفاً متکی به اصولی بوده است که جز یک تازی سیاسی



سخنرانی محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان به مناسبت تجلیل از شهداء - یکاولنگ

# فصل آیندهء سرنوشت مردم ما زیبا و پر شکوه خواهد بود

ما همه، مردم خود را گل یک سبد میدانیم، میوه، یک باغ و نه یک درخت میدانیم، همه یاور و برادر هم هستیم، اختلافات نومی، تفریدی و منطوقی مسایلی اند که دشمن میخواهد از آنها بهره برداری کند.

(تذکره و پوزش:

در شماره قبلی قسمتی از سخنرانی در ستون ۳، سطر ۱۵ الی آخر ستون، تکرار گردیده است که بدینوسیله تصحیح و ادامه سخنرانی از ختم سطر پانزدهم ستون سوم به چاپ می رسد).  
حالا که کشور در یک مرحله تغییر و دگرگونی قرار گرفته است، من بار دیگر از طرف شورای مرکزی به شما اطمینان میدهم که هر طرح و پلانی که مصالح و منافع مردم و ملت ما تأمین شود و عزت و شرف مردم ما در آن نهفته باشد، آن را می پذیریم و این را هم برای تان مژده دم که امروز به یاری خداوند شما هم از نگاه نظامی یک قدرت و توانمندی خوبی هستید وهم در عرصه سیاسی جایگاه خاص تان را احراز نموده اید. این وضعیت برخلاف تصور دشمن است که فکر میکرد تاریخ سیاسی و نظامی این مردم به کلی به پایان رسیده است؛ نه! امروز باید به شما برادران و دوستان عزیز بگویم تا در جریان باشید که دنیا از راست شدن دوباره قامت شما به تعجب افتاده است و بر استعداد شما تحسین می کند. چون این مصیبتی که بر شما پیش آمد، مصیبت ساده و کوچکی نبود. مصیبت سنگینی بود و اگر برای هر کشور و مردم دیگری پیش می آمد، آن را کاملاً متلاشی می کرد و از بین می برد. به همین دلیل بود که حتی اکثر روزنامه های جمهوری اسلامی ایران هم نوشته بودند که تاریخ و عمر سیاسی برخی از باندها و جناح های حزب وحدت به پایان رسیده است و بر اساس همین یاور بود که شما دیدید چه برخورد های غیر منصفانه بی از سوی این دوستان بر مردم ما روا داشته شد. این برخوردها را مردم ما هرگز فراموش نخواهد کرد. در روز بدی دشمن هر عملی را که به خاطر نابودی ما مرتکب شد، ما دچار تعجب نمی شدیم، اما از دوستان خود، ما توقع دیگری داشتیم. درست است که امروز مردم ما در هزاره جات، به هیچ کشور خارجی وصل نیست، شهر بزرگی هم ندارد که طرف توجه رسانه های خبری قرار گیرد و درست است که این مردم در میان کوهپایه های بلند و سرد هزاره جات محصور است، ولی با وجود این، امروز مردم ما به آن مرحله بی از آگاهی رسیده اند که قضاوت نمایند که در شرایط سخت دشمنان شان با آنها چگونه عمل کرد و دوستان شان نیز چگونه برخوردی با آنها داشت. در پرتو این آگاهی بلند است که ما آینده خوب و روشنی را در انتظار مردم خود می بینیم.

چیز دیگری را که در اینجا لازم است خدمت دوستان و برادران خود به عرض برسانم، این است که دشمن در طول این چند ماه پس از فاجعه غرب کابل، از راهها و توطئه های گوناگونی بر علیه شما استفاده کرده است که تا کنون به فضل خدا در همه آنها با ناکامی مواجه شده است. هدف از این توطئه ها آن بود که مردم ما را نسبت به سرنوشت شان دلسرد کنند، سعی شان بر این بود که در درون جامعه شما و درون شورای مرکزی حزب شما اختلافات فرعی را

دامن بزنند و حساسیت های منفی بی را در هر ساحه به وجود بیاورند. من راپورهای دقیقی دارم که دشمن از طریق های گوناگون تلاش میکرد که گویا میان من و استاد عرفانی حساسیت به وجود بیاورد، من به صراحت گفتم که این یک رویای بیش نیست، ما به هیچ وجه به دشمن این اجازه را نخواهیم داد که در میان اعضای شورای مرکزی که همه متعهد و دلسوز به آرمان مردم خود اند، کرجکترین حساسیتی به وجود بیاورد. امروز من خدا را گواه می گیرم و شما را اطمینان میدهم که شورای مرکزی شما منسجم ترین شورای است که در تاریخ حزب وحدت، کمتر سابقه داشته است و من افتخار میکنم که در پهلوی تک تک این عزیزان و بزرگان هستم. من در اینجا اعلام میکنم که دشمن و مخالفین مردم ما باید متوجه باشند که حربه های نفاق افکنانه شان هیچگامی کاربرد نخواهد داشت. تلاش های دیگری هم از سوی دشمن راه افتاد که بین جامعه ما حساسیت های قومی را ایجاد کند. من صریحاً میگویم که آنچه در کابل، در میان آن دسته خاص وجود دارد، مربوط خود آنهاست، ولی ما همه مردم خود را گل یک سبد میدانیم، میوه یک باغ و ثمر یک درخت میدانیم، همه یاور و برادر هم هستیم، اختلافات قومی، نژادی و منطوقی مسایلی اند که دشمن میخواهد از آنها بهره برداری کند و این را مردم ما باید جداً متوجه باشند که سرنوشت شان یک سرنوشت است. آرزوییکه تفنگداران بیرحم اتحاد و شورای نظار در افشار هجوم آوردند، طفل شش ماهه را هم با برچه زدند، حرکت اسلامی را هم زدند، سید و هزاره و قزلباش و بیات، همه را هرچه که توانستند، در حق شان روا داشتند. استاد شهید یکی از گنتگو های بی سیمی را کشف کرده بود که در آن تفنگداران سیاف با خود وی تماس گرفته و پرسیده بودند که در پولی تخنیک یک گروه مربوط حرکت اسلامی است، با آنها چه کار کنند. سیاف با لحن خاص خودش جواب داده بود که همه را خلع سلاح کنید و اگر مقاومت کردند، همه را بزنید. این سرنوشت شما مردم در نظام سیاف ها است. بناً من از شما مردم دعوت میکنم که همه تان (سید، هزاره، قزلباش، بیات...) بیابید و از این سنگر عزت و شرف تان با هماهنگی دفاع نمایند و بدانید که این دشمن بیرحم به هیچکدام تان رحم نخواهد کرد. این توقع ما در شرایط حساس و سرنوشت ساز کشور از شما مردم است که حضور همه گانی تان را در صحنه ها حفظ کنید. شما مردم شریف و دوستان و برادران عزیز یکاولنگ متوجه باشید که امروز شما همسان داران عزت و شرف مردم خود هستید، باید در قبال این همسان داری، مسؤولیت سنگین تان را متوجه باشید و در هر شرایطی باید در کنار شورای مرکزی، نظامی ها و فرماندهان تان باشید. شما باید نقش مردم غرب کابل را ایفا کنید. این انتظار ما از شما مردم است؛ همانطوریکه تا کنون در همه عرصه ها فداکاری بیدریغ کرده اید و ما از شما سپاسگزاریم. در آستانه ای تاریخی تان را حفظ کنید، شما باید

پشتر و بیشتر از برادران ولایات غزنی، میدان، پروان، ارزگان و صفحات شمال جبهات را گرم نگه دارید، مسؤولیت ملی و مذهبی شما مردم نیز همین را ایجاب میکند. شما فراموش نکنید که امروز مرکز درخشش دوباره عظمت حزب و مردم خود هستید، باید پاسدار خون شهدای خود باشید، اگر مردم شریف ما از بهسود، غزنی، شمال، پروان، ارزگان و جاهای دیگر با احساسات نیک خود از جبهات حمایت می کنند، شما با تمام هستی خود همکاری عملی نمائید و امیدوارم که این تلاشهای مسؤولانه و دلسوزانه ادامه پیدا کند، چون ما به نوازش و توجه شما مردم احتیاج داریم و شما تکیه گاه ما هستید. ما از همکاری تان تا این لحظه تشکر میکنیم و افتخار هم داریم که به عنوان یک عسکر و یک سرباز در خدمت شما هستیم و در این زمینه هیچگونه تعارف نداریم.

در آیه بی که خدمت شما تلاوت کردم، خداوند به پیامبرش می گوید: در هر کاری و در هر طرح و برنامه و عملی که وارد میشوید، باید صادقانه وارد شوید و صادقانه خارج شوید. ما حالا هم که در این سنگر قرار داریم، هیچگونه انتظار آن را نداریم که از صبح تا شب زنده باشیم. روزی که دوستان در پشاور و همچنین در مزارشرف جلسه کردند، من گفتم که حالا نوبت قربانی شدن به ما و شما رسیده است، باید این را بپذیرا شویم و باید برای دشمنان مردم خود ثابت سازیم که ما هیچ علاقه و هوای وهوسی در سر نداریم جز اینکه از عزت و شرف مردم خود دفاع کنیم. این عشق و آرزوی همه ماست که بتوانیم باردیگر مردم خود را در همه صحنه ها مطرح سازیم، آن روز، روز عید و جشن، خواهد بود و در راستای تحقق همین آرزو آماده هرگونه فداکاری صادقانه هستیم.

نکته آخری را که در این محفل خدمت شما عزیزان میخوام یاد آوری کنم این است که در مرحله خاص کنونی که کشور در حال دگرگونی قرار گرفته است، باید تمام دسته جات، از شما مردم تا شورای مرکزی و شورای عالی نظارت و مسؤولین نظامی و تک تک فرماندهان و تفنگداران عزیز و با شهامت، دست به دست هم بدهند تا این فصل نو کشور را در جهت عزت و سربلندی و اقتدار و عظمت سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی آینده رقم بزنند و با این آگاهی و روحیه عالی بی که در میان مردم ما هست، یقین دارم که فصل آینده سرنوشت مردم ما زیبا و پر شکوه خواهد بود.

در اخیر با عرض معذرت خدمت همه برادران، به روح تمام شهدای راه حق، آزادی، راه خدا و راه نجات مظلومین درود میفرستم، خصوصاً مقام شهدای جنگهای تحمیلی اخیر را گرمی میدارم و به بازمانده گان این شهدا و ملت شریف خود تبریک و تسلیت عرض میکنم و از خداوند میخوام که ما را توفیق دهد که در راه سرخ و خونین رهبر شهید، استاد مزاری، مصمم و استوار گام برداریم و آرمان شهدای گرانقدر خود را پاسداری نماییم.  
و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی در دیدار با مردم مسلمان شیبر:

## کسی که از مردم خود جدا شود، سرنوشتش همراه با ذلت است

آنها خارج از جمع مردم ما هستند و دلیل ما این است که اگر کسی اندک احساس مردمی و شیعه گی داشته باشد، چنین کاری را نخواهد کرد و پیشقراول شرارت پیشه گان شورای نظار و اتحاد سیاف بسوی هزاره جات نخواهد شد.

محترم استاد خلیلی عقب راندن دشمن را از استحکامات قوی و مجهز آن در بامیان، تحول بزرگ و تاریخی خوانده، اهمیت آن را در شرایط ویژه کنونی مورد تأکید قرار داده، خطاب به مردم و مدافعین سر افراز حزب وحدت اسلامی گفتند: من ضمن اینکه بر بازوان پر توان شما مجاهدین، فرماندهان، صاحب منصبان و تفنگ به دوشان بوسه می زنم و بر خود می بالم، این نکته را نیز صریحاً اعلام میکنم که در پیروزی اخیر کمک و یاری خداوند لایزال شامل حال همه مردم عزیز

گفتند: این محرومین و این ریسمان به دوشان اکنون تصمیم گرفته اند که سرنوشت شان را خود شان تعیین کنند و اجازه ندهند که کسی دیگر برای شان تصمیم گیرنده باشد و اینها را تحقیر و توهین کند.

محترم استاد خلیلی در بخش دیگری از سخنان خویش با اشاره به جنگ بامیان و نقش مشترک خابینین و دشمنان مردم، پیشگام شدن سید انوری و اکبری را به خاطر قتل عام و نابودی ملت، حادثه فراموش نشدنی خوانده، آنها را بیگانه از مردم دانسته توضیح دادند: وقتی ما اینها را بیگانه میگویم بدین معنی است که

ممکن نیست. دبیر کل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگری از سخنان خویش با اشاره به فاجعه سقوط غرب کابل و تأثیرات منفی آن بر ذهنیت های عامه، یاد آوری کردند که پس

از این حادثه، دلخراش و کمرشکن تجلیل دوستان و دشمنان ما آن بود که با رفتن استاد مزاری، سمبول آرمانها و آرزو های مردم ما نابود گردیده و تاریخ سیاسی آنان به پایان خود رسیده است، اما حوادث بعدی و مخصوصاً رشادت فرزندان شما مردم در امر دفاع از ولایت بامیان و شکست تمام جبهه و امکانات نظامی و تسلیحاتی دشمن، بار دیگر قدرت و نیروی بی پایان مردمی را نشان داد که مصمم اند از هستی و عزت خود دفاع نموده اجازه ندهند که تاریخ گذشته بالای شان تکرار گردد. ایشان آگاهی مردم ریسمان به دوش هزاره جات را مورد تعجب فراوان قرار داده

# دیوانه گان لب بام

(ص. علی)

سه سال و چند ماه حاکمیت فاشیستی کابل عناصری را در پیرامونش جمع کرد که هستی آنان کاملاً بر مبنای ضابطه های انحصاری میتواند دوام داشته باشد. رابطه متقابل این عناصر با دستگاهی که جز آفریدن جنایت و مرگ برای یک ملت، دیگر کاری نداشته است، ماهیت عقاید ضد انسانی و موضعگیری سیاسی گروههای متعهد به فاشیسم کابل را نیز تفسیر مینماید. هر گروهی که در جوار حاکمیت انحصاری مسعود-ریانی قرار دارد، اهداف خاص خویش را برای تجزیه اجتماعی ملت افغانستان به پیش میبرد. دامن زدن خصومت میان ملیتها، تشدید نفاق مذهبی، ایجاد مفکوره های تبعیضی و خرد برتر بینی های نژادی و انسانی اصول اساسی بقای هر حاکمیت انحصاری است. هیچ حاکمیت انحصاری نمیتواند که بدون ایجاد نفاق و مصروف نمودن مردم تا سرحد خصومت به مسایل فرعی، دوام خویش را ضمانت کند. تفرقه بینداز و حکومت کن، اصل کلی شناخته شده در هر کج دنیا و در هر حاکمیت غیر مردمی بوده است؛ ولی ریشه یابی اشکال تطبیق این اصل در هر جامعه خاص بوده و منوط به اشکال ترکیب اجتماعی ملتها میباشد. ترکیب اجتماعی ملت افغانستان منوط به چند گانه گی اقشار آن بوده که برای تشکیل حاکمیت مردمی، هیچگاهی نمیتوان حضور سیاسی آنها را نادیده گرفت. برای ایجاد حکومت انحصاری، در ضمن تفرقه میان اقشار ملت، ایجاد زمینه های تفرقه اجتماعی در درون هر قشر ملت نیز مد نظر گرفته میشود. برای آنکه شایسته گی شکل سیاسی را از یک جامعه گرفته باشند، تشتت اجتماعی را به گونه بی در آن جامعه سازماندهی میکنند که اولاً زمینه رشد کادر های سیاسی و اجتماعی در آن به وجود نیاید و بعداً اگر از چنین کاری جلوگیری نتوانستند، امکان ورود نماینده گان سیاسی جامعه مورد نظر را در حاکمیت ساقط سازند. جامعه هزاره شاهد هر دو نوع پالیسی حکومتها بوده است و تشیع درباری، همان شبکه غیر انسانی در جامعه هزاره تلقی میگردد که عامل نفاق اجتماعی بی در این جامعه شده است که حتی هزاره سنی و اسماعیلی را در ذهن جامعه هزاره نابود کرده است. تجزیه اجتماعی جامعه هزاره توسط تشیع درباری، مؤثرترین پالیسی

برچیده شده است و هر فرد این جامعه به این آگاهی رسیده است که اگر حاکمیت انحصاری است، آغوش جامعه شان قویاً منوط به خود شان است. برچیده شدن زمینه های اجتماعی تشیع درباری در درون اجناس هزاره، حاکمیتهای انحصاری را مجبور خواهد ساخت که به سیاستهای دیگری برای انحصار حق سیاسی جامعه هزاره متوسل شوند؛ چون دیگر سیدفاضل ها و محسنی ها، به عنوان افراد کاملاً بیگانه با جامعه هزاره، هیچگاهی نمیتوانند که با خصومت ما فوق شیطان در برابر این اجتماع، از موضع مذهبی «حق شیعه ها»، فریب سیاسی را برای ملت افغانستان به وجود آورند؛ چون آگاهی زمان حکم میکند که دیگر نماینده سیاسی جامعه هزاره باید فردی منوط بدین جامعه باشد و اگر هنوز وجدان سیاست حاکمیت از پذیرش سیاسی جامعه هزاره خالیست، بگذار که جای این نماینده گی خالی باشد؛ ولی دیگر شیعه درباری غیر هزاره نتوانند نماینده سیاسی هزاره حتی در حاکمیت انحصاری نیز باشد. بی ریشه گی اجتماعی شیعه های درباری غیر هزاره در جامعه هزاره، یگانه عاملی خواهد بود که حاکمیتهای انحصاری را مجبور به اتخاذ سیاست جدید انحصاری نماید. وقتی من شیعه درباری را به عنوان نماینده و آقای مذهبی خویش نپذیریم، هیچکسی نخواهد ترانست آن را به عنوان نماینده جامعه بی بپذیرد که اصلاً جز مذهب در باری خویش، دیگر هیچ ارتباطی با این جامعه ندارد. اگر معیار نماینده گی سیاسی مذهب مشترک است، میلیونها شیعه ایرانی الاصل وجود دارند، که خیلی ها علتر از محسنی و سیدفاضل هاند، و میتوانند نماینده گی از حق سیاسی جامعه هزاره در حاکمیت سیاسی ملت افغانستان نمایند!!! نکته قابل اهمیت برای هر طرح سیاسی اینست که شیعه های درباری از لحاظ ترکیب اجتماعی، باهم متفاوت اند. این تفاوت ملیتی و نژادی میان شیعه های درباری، یگانه عامل نفاق اجتماعی میان شان بوده و باعث رقابت سیاسی در برابر خود شان نیز میباشد.

اجتماعی و وجهه مذهبی سیدعالی ها در جامعه هزاره همانقدر است که پشه را با قیل مقایسه کنیم. به همین علت بود که بعد از چندی «جناح اکبری» فاقد از «اکبری» شد و دیگر کسی «جناح سیدعالی» نگفت، چون اینان چهره های معلوم الحال اند که حلقه به گوشه آنان برای جمهوری اسلامی ایران، شناخته ترین شخصیت سیاسی شان است. برای مسعود نامکن بود که شخصیتی را برای رهبری حزب وحدت تبلیغ کند که هیچگاهی همچون آقای اکبری برای «حاکمیت تاجک ها» موضعگیری مشخص نکرده بود. آنچه در عزل و نصب آقای اکبری از رهبری «جناح اکبری» قابل اهمیت است، بحرانی شدن وضعیت نظامی و سیاسی فاشیسم کابل و متحدین آن است؛ چون به مجرد عادی شدن وضع، به غیر از سیدعالی ها، دیگر کسی نمیتواند که حق سیاسی، اجتماعی و مذهبی را حق میراثی و تاریخی خویش بداند!

مقیاس کوچک بودن و یا بزرگ بودن احزاب، موضعگیری های سیاسی شان را در جوار حاکمیت فاشیستی ریانی- مسعود و جنایت شان را در برابر ملت، تخفیف نمیدهد؛ چون اینجا نیت، عقیده و آرمان فاشیستی شان در برابر سرنوشته ملی و بین المللی کشور و ملت افغانستان مطرح است؛ یعنی اگر اینان هرچه بزرگ میبودند، باهمان مقیاس سکتاریسم فاشیستی مسعود را تقویت میکردند. وحشت از محاکمه ملت و تاریخ، چهره سیاست مزورانه جناح سیدعالی ها را در «جناح اکبری» افشا نمود. چرا اکبری بار دیگر به رهبری «جناح اکبری» انتخاب شد؟ در حقیقت، آقای اکبری از لحاظ رأی توانسته بود که از سید عالمی سبقت جوید، ولی سیدعالی رأی خویش را برای اکبری میدهد و رهبری «جناح اکبری» را که در آوران شکست فاشیسم کابل به طوق لعنت تبدیل شده است، به گردن اکبری می اندازد! اگر آقای سیدعالی اینقدر حسن نیت در برابر اکبری دارند، چرا نام اکبری را با رهبر شدن خویش، در زمانی از جوار «جناح اکبری» حذف کرد که بزرگترین حربه تبلیغاتی و مطبوعاتی برای «جناح اکبری» محسوب میشد؟ تفویض رهبری به آقای اکبری، با آن روحیات و ماهیت عظمت طلبی های نژادی، مذهبی و اجتماعی سیدعالی ها، صرفاً برای فریب دیگر ملت است که گویا سیدعالی ها، در جنایات حاکمیت سفاک و نژادگرای ریانی- مسعود، نقش نداشته اند، و اگر ایحیاً حاکمیتی آمد که سوال خون و قتل عام ملت و هزاره ها را در افشار و غرب کابل نماید، به ساده گی بگویند: این هم «اکبری»، رهبر «جناح اکبری» که باید جواب بدهد!!! این عمل سید عالمی، زیرکی سیاسی بی را بیان میدارد که بیشتر از درایت سیاسی سیدعالی ها، مکار بودن شان را در معادلات سیاسی و اجتماعی، برای حفظ نفوذ شان، بیان میدارد؛ ولی هیچگاهی درک نخواهند کرد که موقف سیاسی و ائتلاف شان با حاکمیت فاشیستی مسعود، موقعیت دیرینه گان لب بام را برایشان داده است؛ که برای تعقلی شان هیچکسی شك ندارد؛ ولی صرفاً وجدان انسانی جامعه شان که از سقوط شان هراسناک و اما دیوانه گان، همیشه فارغ از اجتماع انسانی بوده اند و در جمع خود، مصروف خیالات خاص خویش اند. دیگر جامعه انسانی هزاره، آغوش اجتماعی برای سید فاضل ها، محسنی ها و اکبری ها نخواهد بود. این حق اجتماعی هر فرد انسانی است که دشمن کینه توز را از چهره دوستی آن بیرون کشد و نگذارد که دشمن ترین دشمن، با سؤ استفاده از مذهب مشترک، آغوش و اعتماد جامعه اش رانصیب شود.

حاکمیتهای سیاسی بود است؛ سرکوب اجتماعی و قتل عام بیشتر از پنجاه قبصد جامعه هزاره، زمینه آنا مساعد ساخت که نفوذ شیعه های درباری با پشتوانه سیاست اجتماعی درباری، در این جامعه مساعد شود. این شخصیتهای مذهبی قابل پذیرش برای حاکمیتهای سیاسی، آهسته آهسته به آقایان پذیرفته شده مذهبی و اجتماعی جامعه هزاره تبدیل شدند و در شرایط کنونی، این میراث خواران حق سیاسی و اجتماعی هزاره، به حیث نماینده گان سیاسی این جامعه نیز خود را مطرح میکنند، غافل از اینکه دیگر اینان به عنوان سببول های حاکمیت انحصاری، هیچگاهی نمیتوانند زمینه اجتماعی در درون جامعه هزاره داشته باشند و بعد از اینهمه خونریزی و مبارزات سیاسی و اجتماعی، دیگر زمینه سیاست های کینه

معرفی گردید. حالانکه از لحاظ ریشه اجتماعی همانقدر نفوذ داشت که اثرات ضعیف سیاست مذهبی «شیعه ها» در ذهن بعضی از جوانان هزاره باقیمانده بود و هنوز هم بدین باور بودند که شیعه های درباری واقعاً هیچگونه گرایش نژادی و زبانی ندارند و با مفکوره انسانی و مذهبی در جوار جامعه هزاره جاخوش کرده اند!

بعد از مدتی رقابت میان جناح سیدعالی ها و اکبری ها بلند شد و سیدعالی به عنوان رئیس حزب «جناح اکبری» پذیرفته شد. مسلم است، سازمان سیاسی بی که هر اقدام و عمل آن مطابق مذهب (دین) باشد، معیار رهبری آن نیز باید مطابق به وجهه مذهبی باشد. فراموش نباید کرد که ملاک برخورد حاکمیت های انحصاری با شیعه های درباری بر مبنای نفوذ اجتماعی آنها در جامعه هزاره است. وجهه مذهبی و نفوذ اجتماعی اکبری در مقابل نفوذ

معرفی گردید. حالانکه از لحاظ ریشه اجتماعی همانقدر نفوذ داشت که اثرات ضعیف سیاست مذهبی «شیعه ها» در ذهن بعضی از جوانان هزاره باقیمانده بود و هنوز هم بدین باور بودند که شیعه های درباری واقعاً هیچگونه گرایش نژادی و زبانی ندارند و با مفکوره انسانی و مذهبی در جوار جامعه هزاره جاخوش کرده اند!

بعد از مدتی رقابت میان جناح سیدعالی ها و اکبری ها بلند شد و سیدعالی به عنوان رئیس حزب «جناح اکبری» پذیرفته شد. مسلم است، سازمان سیاسی بی که هر اقدام و عمل آن مطابق مذهب (دین) باشد، معیار رهبری آن نیز باید مطابق به وجهه مذهبی باشد. فراموش نباید کرد که ملاک برخورد حاکمیت های انحصاری با شیعه های درباری بر مبنای نفوذ اجتماعی آنها در جامعه هزاره است. وجهه مذهبی و نفوذ اجتماعی اکبری در مقابل نفوذ

محترمه لطیفه «صدی»، د کابل پوهنتون د ادبیات استاد د «صفحه نو» د خبریال سره په مرکه کی:

## کابل حکومت د تباهی تر سرحد پوری قدرت نه پریزی

مسعود د کابل نه وتل د جنگ د بابللو په معنی بولی او وائی چی په دواړو حالاتو کښی د خطر سره مخامخ کیدونکی دی ځکه نو که هرڅومره ځنک تبا کبزی او هرڅومره وینی تویزی خبر دي خو چی په کابل باندي قبضه ئی د لاسه لاره نشی.

طاعت څرگندوی خو هیڅوک ددی حکومت په بقا باندي اعتبار نکوی.

د کابل پوهنتون استادی د یو بل سوال په جواب کښی وویل که څه هم په ظاهره استاد ریانی د سیاسی فشار په وخت کښی د قدرت د انتقال او میکانیسم خبری کوی خو ترکومه ښایه چی موزن د کابل اوسیدونکو ته معلومه شوي ده د کابل د حکومت اصلی واکمنی د مسعود په لاس کښی ده او استاد ریانی د یو سمبول په حیث کینول شوی دی.

دی زیاته کړه چی مسعود د کابل نه وتل د جنگ د بابللو په معنی بولی او وائی چی په دواړو حالاتو کښی د خطر سره مخامخ کیدونکی دی ځکه نو که هرڅومره ځنک تبا کبزی او هرڅومره وینی تویزی خبر دي خو چی په کابل باندي قبضه ئی د لاسه لاره نشی.

ددی یو بل عامل هم د کابل اقتصادی کلاندی او د نرخونو لوړوالی دی چی مامورین او کارمندان نور نشی کولی په کابل کښی پاتی شی او یا حکومتی متزلزله ماشینری وچلوی.

دی زیاته کړه د کابل ریډیو او اخبارونه په ټول قوت سره لگیا دی او د اپوزیسیون په مقابل کښی د کابل د حکومت د استحکام خبری کوی خو ښاریان په دی پوه شوی دی چی ددی حکومت په پس منظر کښی دیکه تاز یو گوند او یو علاقی واکمنان نور نشی کولی افغان شموله او ملي ملاتړ ترلاسه کړی.

دی په دی رابطه وویل چی مسعود وخت په وخت د کابل په ښار کښی دوسله والو فوځونو او نوی نوی وسلی مظاهر هم کوی او ښاریانو ته عملاً خپل فوځی

د کابل د حکومت انتظامیه چی د کابل په ټول ولایت هم پوره کنترول او تسلط تلی په هیڅ صورت د قدرت پرښودو ته حاضر نه ده او خپله بقا د جنگونو په دوام کښی بولی.

دغه مطلب د کابل پوهنتون د ادبیاتو د پوهنځی استادی میرمن لطیفی «صدی» د «صفحه نو» د خبریال سره په مرکه کښی څرگند کړ او وی ویل چه زه د خپلی کورنی سره په چهلستون کښی په خپل کور کښی اوسیم د تیرو دری نیمو کالو په جنگونو کښی مو اخوا دی خوا دیری کوی وځغلووی خو د سکون خای مو پیدا نکړی شو.

دی وویل شپږ میاشتی کبھی چی بیرته خپل کورته راغلو خواوس چی بیا د جنگ خولی ته ورغلو د کابل نه د وتلو اقدام ته مو ترجیح ورکړه او دپیرو مشکلاتو په گاللو سره پښور ته راوړسیدو.

لطیفی صدی د کابل پوهنتون په حقله د یو سوال په جواب کسی وویل چی کابل پوهنتون هسی په نوم شروع دی نه ئی دوسی وسائل او تجهیزات پوره دی او نه ئی د استادانو او شاگردانو تصاب.

دی وویل همدا اوس که د کابل اکثره ښاریان د جنگونو له امله د کابل نه تښتی.

محترم استاد عرفانی، معاون اول دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبرنگار ستاد تبلیغی رهبر شهید:

## ما خواهان حکومتی هستیم که در آن تبعیض، انحصارطلبی، خودمحوری ونفی دیگران نباشد

محترم استاد عرفانی، معاون اول دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با خبرنگار ستاد تبلیغی رهبر شهید در بامیان، جزئیات پیروزیهای اخیر مدافعین مردم در برابر نیروهای فاشیستی، تلاشهای صلحجویانه در رابطه با حل قضایای کشور، تفاهم گروههای مخالف حاکمیت فاشیستی وغیره را شرح دادند.

محترم استاد عرفانی در مورد روابط حزب وحدت اسلامی با گروههای مخالف حاکمیت فاشیستی گفتند که ما با تمام این گروهها در حال تفاهم و حل مسایل خود میباشیم، در رابطه با گروه «طالبان» نیز ما شرایط خاص خویش را مطرح کردیم که از جمله آنها محکوم نمودن عوامل شهادت استاد مزاری از رسانه های بین المللی، سپردن قاتلین به محکمه اسلامی وآزادی اسیران بی گناه میباشد. گروه «طالبان» شرایط حزب وحدت را پذیرفته و برخی از آنها را اعلام هم کرده است ولی هنوز گام های جدی در راستای تحقق این شرایط برداشته نشده و امیدواریم که در آینده نزدیک، تمام مسایل حل و فصل گردد.

معاون اول دبیرکل حزب وحدت اسلامی، رابطه اعضای شورای عالی هماهنگی را نیک و حسنه خوانده، تصامیم نماینده گان این شورا را مطابق مصالح و منافع ملت افغانستان خواندند و یاد آور شدند که حزب وحدت اسلامی همواره سیاست های اتخاذ شده توسط شورای هماهنگی را ارج می گذارد.

در مورد راه حل عادلانه برای ختم مشکلات کشور گفتند: ما با تأکید بر مشی انسان دوستانه رهبر شهید، اعلام میداریم که اشتراك تمام اقشار و ملیت های کشور در ساختار حکومت آینده مهمترین اصل میباشد، یعنی ما خواهان حکومتی هستیم که در آن تبعیض، انحصارطلبی، خودمحوری ونفی دیگران نباشد وهمه احزاب و قوت های سیاسی براساس حضور ونفوذ خود، سهم مساوی داشته باشند. حزب وحدت اسلامی از تلاشهای نماینده، سازمان ملل برای ایجاد يك حکومت فراگیر حمایت میکند، اما تأکید میکند که این تلاشها باید با درنظر داشت واقعیت ها و قدرت های موجود در کشور باشد، درغیر آن به هیچ نتیجه ای نخواهد رسید.

**حزب وحدت اسلامی از تلاشهای نماینده سازمان ملل برای ایجاد يك حکومت فراگیر حمایت می کند، اما تأکید می کند که این تلاشها باید با در نظر داشت واقعیت ها و قدرت های موجود در کشور باشد، در غیر آن به هیچ نتیجه ای نخواهد رسید.**

ایشان در مورد عملیات پیروزمندانه حزب وحدت اسلامی گفتند: قبلاً عملیات متعددی برای آزاد سازی بامیان صورت گرفته بود، ولی آخرین عملیات به تاریخ ۱۳۷۴/۷/۲۲ آغاز و منجر به پاکسازی کامل این شهر گردید. ویژه گی این عملیات در آن بود که رمزهای گروهها و جبهات اطراف بامیان با آیات قرآنکریم تعیین شده و در آن همه نیروها با آخرین تصمیم خویش آماده گی گرفته بودند که به فضل خداوند پس از سه روز جنگ شدید، تمام مناطق پاکسازی و دشمن یا برجای نهادن تلفات سنگین و تمام تجهیزات و امکانات نظامی و لوژستیکی خود، وادار به عقب نشینی گردید. فعلاً آخرین خط نیروهای مدافع مردم، در آخرین نقطه شیخ علی میباشد و در همان نقطه الی هدایت بعدی مقام فرماندهی کل قوا، درحالت توقف به سر می برند.

محترم استاد عرفانی بر حل قضایای کشور از طریق صلح آمیز تأکید کرده، اصرار حاکمیت فاشیستی بر ادامه جنگ و انحصارطلبی را، عامل تمام فاجعه های کشور خواندند. ایشان

### کسی که از مردم خود جدا شود...

گدیده و زخم های مردم داغدار ما پس از شهادت استاد مزاری دو باره التیام یافته است. با این پیروزی، ما نه تنها سنگر های نظامی، بلکه همه سنگر هایی را که پس از فاجعه بزرگ غرب کابل از دست داده بودیم، فتح کردیم و در اختیار مردم خود قراردادیم. امروز مهاجرین ما چه از امریکا و چه از اروپا و چه از کشورهای عربی، و چه از ایران، پاکستان، و سایر جا ها با من تماس تبلیغونی گرفته و از عظمتی که این پیروزی برای مردم ما در هر جا خلق کرده است، بر خود میبالند و آن را تبریک میگویند و به تمام شما مردم و مدافعین عزیز شما درود میفرستند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی گفتند: من امروز به طور عریان میگویم که آرزوی ما در تمام این مدت فقط همین بود که روزی مردم خود را درکنار سایر اقوام و ملیت های کشور، در فضای برادری و برابری مشاهده کنیم. این آرزوی رهبر شهید ما، مزاری بزرگ بود و من امروز از اینجا، از زبان همه شما مردم خطاب به استاد مزاری شهید میگویم که: ای مزاری بزرگ، تمام سربازان و فرزندان امروز آرزو هایت را بر آورده کرده اند و آرمان تو را تحقق بخشیده اند. تو رهبر این مردم هستی و ماهمه سربازان تو هستیم وجز تو هیچکس نمیتواند رهبر این مردم باشد.

محترم استاد خلیلی افزودند: من همانطوریکه در مزار هم گفتم، حالا هم میگویم که رهبر مردم ما استاد شهید است، او هم در زمان حیاتش رهبر بود و هم پس از شهادتش مردم خود را رهبری میکند، ما از روح بزرگ استاد شهید الهام میگیریم، ما همه عسکر های آن مرد بزرگ شما ملت قهرمان هستیم.

محترم استاد خلیلی با تأکید بر زنده و ناظر بودن روح رهبر شهید در میان مردم، پیرامون نقش عاملین خیانت در فاجعه غرب کابل مفصلاً صحبت کردند. ایشان در قسمتی از بیانات خویش فرمودند: در مجموعه قضایای تلخ و ناگواری که بر مردم ما تحمیل گردیده است، خیانت عناصر مزدور و خاین هرگز فراموش نخواهد شد. چهره آنهایکه به مردم شان پشت کردند، آنهایکه در زمان حیات رهبر شهید علیه این مردم توطئه کردند و در کنار شورای نظار و اتحاد سیاف قرار گرفتند و زمینه سقوط غرب کابل و شهادت استاد شهید را فراهم کردند، هیچگاهی از یاد مردم نخواهد رفت. آنها با خیانت خویش، لکه یی را در تاریخ مردم ما ایجاد کردند که تا ابد باقی خواهد ماند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگری از سخنان خویش

آنها نفرین می فرستند. ما کسانی را سراغ داریم که خود را به این منطقه و آن منطقه رساندند و بالاخره ذلیلانه به دامان ارباب خویش برگشتند. کسی که از دامن مردم خود جدا شود، سرنوشتش همراه با ذلت است و خداوند آن روزی را پیش نیآورد که حزب وحدت از مردم خود جدا شود. افتخار حزب وحدت همین است که متکی به مردم خود است و به هیچ کشور خارجی وابسته گی ندارد و در برابر هر کشور و هر سیاست خارجی بی که به مردمش توهین و تحقیر روا دارد، می ایستد. این توان را چه کسی به ما داده است؟ این قدرت و عظمت را چه مرجعی به ما داده است؟ بدون شك این توان و قدرت را شما مردمی داده اید که دست های پرآبله و چهره های ترکیبه و لباس های پینه بسته تان گواه بر مظلومیت تان است. شما مردم با همه مظلومیت خویش، وقتیکه پشت این جریان و این حزب هستید، مانند این است که ما به کوه متکی باشیم و با اتکاء به همین حمایت است که ما در برابر سیاست های غیر معقول و غیر واقعبینانه، هر کشور ایستاده ایم و با افتخار عمل میکنیم و همانطوریکه استاد شهید فریاد زد، من هم به عنوان يك عضو کوچک در شورای مرکزی حزب شما فریاد میزنم که ما عاشق قیافه هیچ کس و هیچ جمعی نیستیم و با هیچ کشوری پیمان خاص نداریم؛ موقف و آرزوی ما فقط سربلندی و عظمت شما مردم است، هر کشوریکه به شما مردم احترام و برای شما عظمت قایل شود، ما با آن کشور دوست خواهیم بود. هر جمعی که بیاید و برای مردم ماحق و جایگاه مشخص آن را مد نظر گیرد، ما با آن جمع دوست خواهیم بود. چیزی که سیاست ما را در صحنه های ملی و بین المللی تعیین میکند، جایگاه سیاسی و اجتماعی و سربلندی شما مردم است و هرکسی که کوچکترین توهین به شما و به سرنوشت شما مردم نماید، چه کشور خارجی باشد و چه دسته ها و حلقهات داخلی باشد، ما در برابر آنها قاطعانه مقاومت خواهیم کرد و تا حال هم آنطوریکه شما درجریان هستید مقاومت کرده ایم.

استاد خلیلی در قسمت دیگری از صحبت های خویش با تأکید بر کار های منظم و تشکیلاتی، مرحله کنونی مبارزه مردم ما را مرحله ویژه بی خوانده، داشتن تشکل سیاسی و نظامی نیرومند را تضمین گر آینده بهتر و مطمئن تر قلمداد کردند. ایشان پشتیبانی مردم از این تشکل سیاسی و نظامی را نشانه رشد آگاهی و شعور سیاسی آنان دانسته، اظهار امیدواری کردند که این پشتیبانی در آینده ها جدی تر و آگاهانه تر از قبل ادامه پیدا کند.

استاد خلیلی در آخر سخنان خویش مردم را متوجه امدادها و کمک های غیبی خداوند(ج) نموده، لطف و یاری پروردگار را عامل عمده نصرت و پیروزیهای اخیر دانستند و مردم را تشویق نمودند که در همه حال جز به رضا و رغبت خداوند نیندیشند و از الطاف بی پایان او نا امید نگردند.

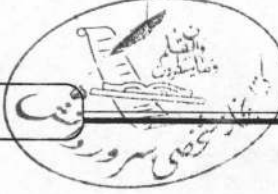
گفتند: موج آگاهی بی که امروز در میان مردم ما مشاهده میشود، آینده خوب و روشنی را برای ما نوید میدهد و من یقین دارم که در پرتو این آگاهی، تجارب تلخ مردم ما از عاملین خیانت های کنونی در آینده تکرار نخواهد شد. امروز صدایی که از حلقوم مردم ما در اینجا بلند میشود، بلافاصله در دور ترین نقطه دنیا و در همه کشور ها طنین می اندازد و برادران شما این صدا را دنبال میکنند. و به همین خاطر است که ما به آینده روشنتر از امروز و فردای بهتر از امروز امیدوار هستیم.

محترم استاد خلیلی افزودند: در گذشته علت رنج ها و مرارت های مردم ما این بود که دارای چنین همبسته گی نبودند هم از عاملین اصلی خیانت و جنایت بخوبی آگاهی نداشتند، در حالیکه در هر زمانی که مقاومت شما مردم شکسته است، به خاطر وجود

**یکی از افتخارات و سربلندی های حزب وحدت، این است که متکی به حمایت بی دریغ مردم خود بوده و معتقد است که از هم کیفی این رابطه، متقابل باعث رمز و نابودی حزب میگرد.**

دشمنان داخلی بوده که از درون جامعه شما نوکر بیگانه شده اند. در دوران عبدالرحمن جابر اگر نگاه کنیم، می بینیم که لشکریان بی رحم دشمن، درجنگ روبروی بنویسند که دشمنیهای مقاومت شما را اشغال کنند ولی وقتی که عناصر ضعیف النفسی را در اختیار خود گرفتند که از پشت شما را خنجر زدند و از داخل جامعه تان برای دشمن جاسوسی کردند، مقاومت شما را شکست دادند و حالا هم من با اطمینانی که از آینده برای تان میدهم، بازهم ا ز شما میخواهم که متوجه خاینین داخلی باشید، و بدانید که در هر شرایطی که دشمن بخواهد شما را ضربه بزند، توسط دشمنان داخلی تان است، این خاینین داخلی هستند که در خدمت بیگانه ها قرار میگیرند و با ناموس و عظمت و سربلندی و افتخارات شما بازی میکنند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افزودند: امروز من خدا را سپاس میگذارم که مردم ما به آن حدی از آگاهی رسیده اند که چهره های خاینین را می شناسند و ماهیت آنها را بخوبی می دانند و در برابر شان ایستاده اند. امروز خاینین این مردم، يك مشت بیگانه از مردم ما شده اند که زن و مردم غرب کابل و مجموع هزاره جات به



فاشیسم کابل :

# یک حاکمیت؛ دو انحصار

م. همراز

ترکیب گروهی حاکمیت سکتاریستی کابل از لحاظ نظامی و سیاسی، بوقلمون ترین ترکیبی بوده که حتی حای رقابتها و تضادهای اجتماعی نیز است. وحدت فعلی این گروههای سیاسی و نظامی صرفاً به علت مواجه بودن آنها در برابر مقاومت نیروهای مخالف است؛ چون در ترکیب احزاب یا دولت داران کنونی کابل، یا گروههای کاملاً سیاسی اند یا گروههای کاملاً نظامی؛ جمعیت اسلامی به سازمانی تبدیل شده است که از لحاظ نظامی نقش آن در حاکمیت مطلقاً ناچیز بوده و صرفاً با شخصیت برهان الدین ربانی، روپوش سیاسی حاکمیت فاشیستی را تشکیل میدهد. شورای نظار، گروه کاملاً نظامی بوده که قوماندان آن احمدشاه مسعود است.

شخصیت کاملاً سیاسی «ربانی» و شخصیت کاملاً نظامی «مسعود» به دو شخصیت لازم و ملزوم یکدیگر تبدیل شده است که یکی بدون دیگری مفهوم خویش را از دست میدهد. این امر روشن است که تضادهای منطقی («تخاری» «بدخشی» و «پنجشیری») در درون این ترکیب سیاسی- نظامی در اوج خویش میباشد. یکه تازیهای خود خواهانه و مغرورانه سکتاریزم پنجشیری، از پشتوانه نظامی قوی برخوردار است. این امتیاز نظامی صرفاً منوط به نزدیک بودن پایتخت به دره پنجشیر است که گروههای نظامی غیر از شورای نظار را از لحاظ امکالاتی بازم محتاج به این شورای نظامی میسازد.

فاقد بودن شورای نظار از لحاظ شخصیت سیاسی، ناگزیری بی را برای این شورا ایجاد کرده است که باید برای مانورهای سیاسی، برای جمعیت اسلامی باج نظامی بدهد، رزنه روشن است که قدرت مطلق و اراده حاکم در کابل صرفاً احمدشاه مسعود دارد و هر تصمیم سیاسی، باید قبل از علنی شدن خویش، پشتوانه نظامی شورای نظار را به دست آورد. بی اراده گی سیاسی آقای ربانی و بد قولیها و تناقض در موضعگیریهای سیاسی این شخصیت سیاسی، به علت فاقد بودن از قدرت نظامی در کابل است. برهان الدین ربانی، در طی حاکمیت سبمولیک خود، پاره حرفی را که یک روز قبل اعلان داشته است، در فردای آن از طریق یکی از سخنگوهای آن به گونه بی تفسیر شده است که بیانگر اراده و خواست شورای نظار و منافع این سکتاریزم فاشیستی بوده است. آلوده گی شخصیت سیاسی ربانی، محصول قدرت نظامی و اراده مطلق احمدشاه مسعود در کابل بوده است.

تقیل حکومت داری از طریق دو شخصیت کاملاً سیاسی و کاملاً نظامی، پدیده ایست که حاکمیت فاشیستی کابل را از درون میکارد. استعفا ربانی از قدرت، به مفهوم گرفتن شخصیت سیاسی شورای نظار است که توسط آقای ربانی تقیل میشود. به همینسان، در فردای رفتن مسعود از کابل، برهان

مسعود دارد و هر تصمیم سیاسی، باید قبل از علنی شدن خویش، پشتوانه نظامی شورای نظار را به دست آورد. بی اراده گی سیاسی آقای ربانی و بد قولیها و تناقض در موضعگیریهای سیاسی این شخصیت سیاسی، به علت فاقد بودن از قدرت نظامی در کابل است. برهان الدین ربانی، در طی حاکمیت سبمولیک خود، پاره حرفی را که یک روز قبل اعلان داشته است، در فردای آن از طریق یکی از سخنگوهای آن به گونه بی تفسیر شده است که بیانگر اراده و خواست شورای نظار و منافع این سکتاریزم فاشیستی بوده است. آلوده گی شخصیت سیاسی ربانی، محصول قدرت نظامی و اراده مطلق احمدشاه مسعود در کابل بوده است.

تقیل حکومت داری از طریق دو شخصیت کاملاً سیاسی و کاملاً نظامی، پدیده ایست که حاکمیت فاشیستی کابل را از درون میکارد. استعفا ربانی از قدرت، به مفهوم گرفتن شخصیت سیاسی شورای نظار است که توسط آقای ربانی تقیل میشود. به همینسان، در فردای رفتن مسعود از کابل، برهان

الدین ربانی، چون خسی دستخوش توران خواهد بود. اگر ربانی استعفا بدهد، در فردای استعفا آن، احمدشاه مسعود به سر گروپ نظامی سلاح به دستانی تبدیل میشود که هیچگونه بهانه بی برای توجیه حضور نظامی خویش در کابل نداشته، و جز جنگ برای حفظ بقای خویش، دیگر سرنوشتی نخواهد داشت.

اداره نظامی حاکم بر کابل، موفقیت هر طرح سیاسی را ناپود کرده است. راه حلهای سیاسی، صرفاً مساعد نمودن زمینه، تنفس برای تقویت جبهات فاشیستی خواهد بود. ماهیت نظامیگری شورای نظار در بیشتر از سه سال، حیات این سکتاریزم را مطلقاً وابسته به جنگ ساخته است. خصومت در برابر تمام اشرار ملت، تشدید نفاق اجتماعی و مذهبی، ایجاد باورهای خصمانه از لحاظ روابط اجتماعی میان اشرار ملت و جنگ خونین برای انحصار قدرت سیاسی به نفع سکتاریزم فاشیستی، معادلاتی تلقی میکردند که مسعود را تا پای محاکمه ملت و چوبه دار میکشاند. در معادلاتی که صرفاً تابوت را نصب «مسعود» میسازد، ناممکن است که طرحهای سیاسی و یا مذاکرات سیاسی با برهان الدین ربانی باعث شکست و ختم وضعیت خونبار کنونی در پایتخت کشور گردد.

در طی سالهای حاکمیت نظامی شورای نظار بر کابل، همه تلاشهای احمدشاه مسعود برای این بود که شورای نظار را صاحب شخصیت سیاسی ساخته و خلای شخصیت رهبری این میکاتیزم نظامی را از لحاظ سیاسی پر نماید. حمله به رهبران جهادی و آنها را منحیت عاملان فاجعه مطرح کردن، تماماً برای این بود که از لحاظ سیاسی شخصیت سیاسی ربانی را نیز بی اعتبار سازد. حمله بر رهبران سیاسی از طریق قوماندانی که عامل خونریزی و تخریب و انحصار در پایتخت یک ملت است، جز گرفتن شخصیت سیاسی رهبران به نفع قوماندان نظامی یک ولسوالی دیگر هدفی رانشانه نمیگرفت. تلقین نقش دوگانه ربانی- مسعود در وجود یک شخصیت، در صورتی امکان پذیر بود که با برهان الدین ربانی صاحب قدرت نظامی احمدشاه مسعود میشد و یا احمدشاه مسعود، شخصیت سیاسی برهان الدین ربانی را به دست می آورد. دوگانه گی حاکمیت از لحاظ سیاسی و نظامی در کابل همانطوریکه این حاکمیت فاشیستی را در برابر خواست سیاسی تمام اشرار ملت قرار داد، همانطور هر طرح سیاسی را نیز منجر به شکست میسازد. تقاضای سیاسی با برهان الدین ربانی، صرفاً هیأت های صلح را راضی میسازد؛ ولی بر سرنوشت ملت، مثل همیشه، حاکمیت سکتاریزم فاشیستی مسعود حاکم خواهد بود.

در طی سالهای حاکمیت نظامی شورای نظار بر کابل، همه تلاشهای احمدشاه مسعود برای این بود که شورای نظار را صاحب شخصیت سیاسی ساخته و خلای شخصیت رهبری این میکاتیزم نظامی را از لحاظ سیاسی پر نماید. حمله به رهبران جهادی و آنها را منحیت عاملان فاجعه مطرح کردن، تماماً برای این بود که از لحاظ سیاسی شخصیت سیاسی ربانی را نیز بی اعتبار سازد. حمله بر رهبران سیاسی از طریق قوماندانی که عامل خونریزی و تخریب و انحصار در پایتخت یک ملت است، جز گرفتن شخصیت سیاسی رهبران به نفع قوماندان نظامی یک ولسوالی دیگر هدفی رانشانه نمیگرفت. تلقین نقش دوگانه ربانی- مسعود در وجود یک شخصیت، در صورتی امکان پذیر بود که با برهان الدین ربانی صاحب قدرت نظامی احمدشاه مسعود میشد و یا احمدشاه مسعود، شخصیت سیاسی برهان الدین ربانی را به دست می آورد. دوگانه گی حاکمیت از لحاظ سیاسی و نظامی در کابل همانطوریکه این حاکمیت فاشیستی را در برابر خواست سیاسی تمام اشرار ملت قرار داد، همانطور هر طرح سیاسی را نیز منجر به شکست میسازد. تقاضای سیاسی با برهان الدین ربانی، صرفاً هیأت های صلح را راضی میسازد؛ ولی بر سرنوشت ملت، مثل همیشه، حاکمیت سکتاریزم فاشیستی مسعود حاکم خواهد بود.

## موسفیدان و متنفذین علاقه داری شبیر در دیدار با استاد خلیلی:

### شکست دشمن در بامیان، تمام دسیسه های ضد ملی را نابود ساخت

چهره های خیانت و جنایت در هزاره جات افشاء گردیده اند. مردم مسلمان شبیر تا پای جان از آرمانهای ملی و اسلامی حزب وحدت اسلامی حمایت خواهد کرد.

به تاریخ ۷۴/۸/۹ جمعی از مردم مسلمان و شجاع علاقه داری شبیر، ضمن حضور در مرکزیت حزب وحدت اسلامی، با محترم استاد خلیلی دبیر کل و سایر اعضای شورای مرکزی و فرماندهان حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمودند. به گزارش خبرنگار «صفحه نو» طی این دیدار، موسفیدان علاقه داری شبیر با تبریک گفتن پیروزی فرزندان مدافع مردم در امر پاکسازی ولایات بامیان و پروان، از دیدار خویش با رهبریت حزب وحدت اسلامی اظهار شادمانی نموده، حمایت و پشتیبانی خویش را از آرمانهای ملی و اسلامی حزب وحدت اسلامی اعلام داشتند. طبق این گزارش، نماینده گان مردم مسلمان شبیر شکست دشمن را در بامیان، سرآغاز یک تحول بزرگ پس از فاجعه غرب کابل و شهادت رهبر شهید دانسته یاد آوری کردند که پس از این پیروزی مدافعین مردم، چهره های خیانت و جنایت در هزاره جات کاملاً افشاء و دسیسه های ضد ملی حاکمیت غیر قانونی کابل نابود

## تشیع درباری، از خیانت مذهبی تا برده گی سیاسی

(رویش)

(۲۳ سنبله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ) (قسمت هفتم)

شیکه تشیع درباری، بر علاوه تبلیغات خود در بعد مذهبی، بر مسایل ملی و نژادی نیز تکیه می کرد و عمده ترین هدف آن در این عرصه بی اعتماد ساختن مردم نسبت به صداقت رهبر شهید در رابطه با سرنوشت جامعه هزاره بود. تشیع درباری با استفاده از عقده های تاریخی مردم هزاره و دامن زدن به نفاق و تعصبات ملیتی، می کوشید تا محرومیت سیاسی واجتماعی هزاره را به تمام ملیت برادر پشتون نسبت داده، از تحریکات آنها به نفع حاکمیت فاشیستی ربانی- مسعود بهره برداری کند و نیز رهبر شهید را به مشابه عتصری معرفی نماید که با پشت کردن به سرنوشت تاریخی جامعه هزاره، با دشمنان دیرینه آنها باب مفاهمه و دوستی را گشوده است و تلاش دارد که کلیه مشترکات فرهنگی، تاریخی و زبانی هزاره ها را با برادران تاجک نادیده گرفته، از طریق ائتلاف با حزب اسلامی، شورای نظار را که گویا مظهر قدرت فارسی زبان ها در کشور است، ساقط سازد.

این تبلیغات دقیقاً آن بخشی از مقاومت عادلانه غرب کابل را نشانه میگرفت که با انگیزه ملی و برای نجات از محرومیت تاریخی شکل گرفته بود و تشیع درباری باور داشت که هماهنگی این محور با محور مذهبی، اساس اعتماد رهبر شهید را در میان اشرار گوناگون جامعه هزاره، برهم ریخته و نابود خواهد ساخت.

آقای اکبری فشرده دیدگاه خود را در این زمینه، در سند پروژه «آزادی» که میان او و دکتر عبدالرحمن امضا شده بود، چنین بیان میدارد: «اکتون عبدالعلی مزاری میخواید که دوباره پشتون های جنوبی سر قدرت و ما فرمان بردار و مرید آنان باشیم که روی همین منظور جبهه واحد را با حزب اسلامی دارد» (۱)

ایشان در همین سند مشترکات خود را با شورای نظار اینگونه شرح میدهند:

اول- از نظر ماهیت طبقه بندی دو ملیت محروم، محکوم و زجر کشیده بوده ایم که سالیهای متمادی فرمان بردار بودیم. دوم- بعد از سالها و تقریباً قرن، قدرت سیاسی کشور ما افغانستان به دست ملیت محکوم تاجک انتقال نموده، فرمان گول پشتون را دیگر بالای ما احساس نمی کنیم» (۲)

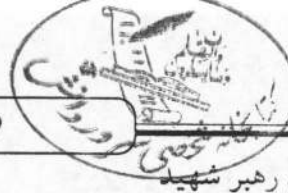
این دیدگاه در تمام مجامع خصوصی و علنی غرب کابل، توسط مبلغین تشیع درباری اشاعه می یافت و فاجعه انتشار هم در واقع محصول نتیجه منطقی نزدیک شدن رهبر شهید با برادران پشتون قلمداد می گردید که گویا حاکمیت فاشیستی را ناگزیر به اقدام انتقامجویانه ساخته است!

رهبر شهید همچنانیکه این ذهنیت را قبل از فاجعه افشاء مورد انتقاد قرار داده و سوء استفاده دشمنان ملت افغانستان را از دامن زدن تعصبات نژادی، مذهبی ولسانی بر ملا ساخته بود، باردیگر در مراسم تجلیل از قیام سوم خوت که در زمستان ۱۳۷۲ با حضور هزاران تن از مردم غرب کابل در مسجد تپه سلام برگزار شد، درباره تبلیغات مغرضانه ملیتی که توسط عمال حاکمیت فاشیستی اشاعه می یافت، توضیح داده، ماهیت نفاق افکنانه تشیع درباری را بر ملا ساختند. ایشان با انتقاد شدید بر ذهنیت و باوری که حزب وحدت را دوپارچه نشان میداد که گویا بر اساس طرفداری از ملیت های برادر پشتون و تاجک، نیسی در کنار حزب اسلامی قرار گرفته و نیسی دیگر از شورای نظار حمایت می کند، خطاب به مردم هوشدار دادند که: «... این باور، باور غلطی است؛ و شما هم متوجه باشید که اگر کسی می آید و این باور را در بین تان القاء می کند، قبول نکنید؛ چون این را دوستان شما القاء نمی کنند؛ این یک نوع گمراه کردن و انحراف ملی را به وجود آوردن است. هر مردم هر ملت و هر تنظیم سیاسی باید روی مصالح ملی خویش فکر کند، برای چیزی دیگر فکر کردن غلط است»

رهبر شهید تأکید کردند: « ما با همه تنظیم ها دوستیم و با هیچکسی سر جنگ نداریم؛ با همه ملیتها نیز دوست هستیم و سر دشمنی نداریم. ما وحدت ملی را در افغانستان یک اصل میدانیم و اگر کسی- دانسته یا ندانسته- آن باورهای غلط را که نقض کننده وحدت ملی راستین است، مطرح کند، برای ملت ما ذلت آورنده است. عزت نیافریده است». رهبر شهید، مخالفت حزب وحدت با حاکمیت فاشیستی را به دلیل انحصار طلبی ها و عناد سردمداران این حاکمیت با ملیت های ساکن در کشور دانسته گفتند: «وقتی ما در برابر دولت (به اصطلاح خودشان) موضع میگیریم، موضع ما بر اساس منافع مردم ماست و هرکس بیاید در اینجا مسأله را اینگونه تلقی کند که گویا ما طرفدار حزب اسلامی و علیه جمعیت هستیم، این به نفع مردم ما نیست و ما آن را غلط میدانیم. این طرز تفکر- چه از بزرگ باشد، چه از کوچک- طرز تفکر غلط است...» (۳)

(ادامه دارد)

۱- خبرنگار وحدت، شماره ۵۸۹، انشای توطئه خائنانه اخیر به روایت استاد، ص ۷، سند پروژه «آزادی»  
 ۲- همان، ص ۷ و ۸.  
 ۳- گزیده بی از سخنان رهبر شهید در مراسم تجلیل مردم حوت در مسجد تپه سلام- سال ۱۳۷۲.



در صحبت خصوصی با حکیم مبارز

### اکبری از زنده ماندن خود اظهار ناامیدی کرد

سیدعلی در تفویض مسؤلیت رهبری شبکه، اکبری را فریب داده است. پس از تعیینات، تمام بودجه تشیع درباری مقفود گردیده است. مسعود از پرداخت کامل معاش و اعاشه فرقه ۳۴ خودداری ورزید.

حکیم مبارز، قوماندان نام نهاد فرقه ۳۴ متعلق به تشیع درباری، در یک جلسه قومی خود در دشت برچی افشاء ساخت که اکبری از عهد دار شدن مسؤلیت شورای مرکزی تشیع درباری پشیمان گردیده و معتقد است که سیدعلی در بحرانی ترین شرایط کابل، وی را فریب داده است. خبرنگار «صفحه نو» از کابل گزارش میدهد که حکیم مبارز از صحبت خصوصی خود با اکبری پرده برداشته که در آن اکبری از وضعیت موجود کشور اظهار ناامیدی کرده و زنده ماندن خود را نا ممکن خوانده است. طبق اظهارات حکیم مبارز، پس از تعیینات، تمام بودجه تشیع درباری مقفود گردیده و هیچ شخصی حاضر نشده است که از مصارف و اداری های نقدی مربوط خود گزارش دهد. خبرنگار ما به نقل از حکیم مبارز می نویسد که پس از سقوط جبهات بامیان و پروان، مسعود معاشات و اعاشه فرقه ۳۴ متعلق به تشیع درباری را متوقف ساخته و در اثر فشاری بیش از حد رهبران تشیع درباری، صرفاً مبلغ محدودی را به عنوان اعانه موقت به آنها تحویل داده است.

### ولسوالی های بلخاب، سانچارک و درهء صوف پاکسازی شد

قره قوماندان با بیست نفر از نیروهای نظامی اش به اسارت در آمد. شش تن از قوماندانان مشهور به نیروهای ضد فاشیستی پیوستند.

نقاط استراتژیک دشمن را مورد حمله قرار دادند و پس از سه روز جنگ شدید، موفق گردیدند که تمام این ساحات را از وجود نیروهای فاشیستی تصفیه نمایند. طبق این گزارش در جریان عملیات، یک تن از قوماندانان مشهور دشمن به نام قره قوماندان با بیست نفر از نیروهای نظامی اش به اسارت در آمدند و نیز شش قوماندان دیگر به نام های میثم، عبدالحمید، اکبری، رحیمی، احمدی و رضایی با نیروها و امکانات دست داشته خویش به صفوف نیروهای ضد فاشیستی پیوستند. لازم به تذکر است که نیروهای ضد فاشیستی ولایات سنگان، جوزجان و بلخ عملیات های اخیر خویش را تحت عنوان «رهروان رهبر شهید» انجام و تشخیص بخشیده اند.

در اثر عملیات جانبازانه، رهروان رهبر شهید، عبدالعلی مزاری، که به تاریخ ۱۳۷۴/۸/۱۷ صورت گرفت، نیروهای فاشیستی و عمال تشیع درباری از سه ولسوالی بلخاب، سانچارک و درهء صوف عقب رانده شده و تمام تجهیزات و امکانات نظامی آنان به دست مدافعین مردم افتید. خبرنگار نظامی «صفحه نو» از مقر فرماندهی رهروان رهبر شهید گزارش میدهد که در این عملیات پیروزمندان تمام نیروهای ضد فاشیستی ولایات جوزجان و سنگان اشترک ورزیده و با رمزهای مشترک،

### در جریان جنگ بامیان

## یک نفر تانکیست و مقدار زیادی اسلحه و مهمات ایرانی به دست نیروهای ضد فاشیستی افتاد

تانکیست ایرانی برای کمک به جبهه فاشیستی عازم بامیان شده بود.

مسلسل های دو قبضه بی و مهمات ایرانی، نشانه دخالت مستقیم ایران در جنگهای هزاره جات است.

ایران و نیز صندوق های مهماتی که آرم ایرانی داشته اند، به دست آمده است. این مقام وجود این شواهد را دلیل دخالت صریح ایران در جنگهای هزاره جات دانسته، از موضعگیری خصمانه جمهوری اسلامی ایران در برابر هزاره های افغانستان، اظهار تأسف نمود و آن را کاملاً غیر قابل توجه خواند. قابل یاد آوری است که پس از پیروزی نیروهای ضد فاشیستی در بامیان و پروان، سخن تبلیغاتی رسانه های ایرانی نیز شدیداً بر علیه حزب وحدت اسلامی قرار گرفته و از حاکمیت انحصاری کابل حمایت می نمایند.

در حالیکه به سوی بامیان می رفت، توسط نیروهای سیار حزب وحدت اسلامی شناسایی و دستگیر گردید و پس از تحقیقات ابتدایی اعتراف نمود که از طرف دولت متبوع خود مأموریت داشته است در جنگ بامیان بر علیه حزب وحدت اسلامی سهم گیرد.

این تانکیست فعلاً در اسارت حزب وحدت اسلامی میباشد. همچنین این مقام مسؤل یاد آوری کرد که در میان تجهیزات به جامانده از نیروهای فاشیستی، کلاشینکوف های دو قبضه بی ساخت

یک مقام مسؤل در فرماندهی نظامی حزب وحدت اسلامی افشاء کرد که نیروهای این حزب در جریان جنگهای بامیان شواهدی را به دست آورده اند که نشان میدهد دولت ایران مستقیماً در جنگهای هزاره جات اشترک داشته است.

خبرنگار نظامی «صفحه نو» از بامیان به نقل از مقام مذکور گزارش میدهد که در جریان جنگ یک نفر تانکیست ایرانی که متخصص تخنیک ترمیم تانک و وسایط زرهی نیز بود،

در ارتباط کشته شدن شیخ ناظر

### سید مصطفی کاظمی و سید حسین انوری مورد اتهام قرار گرفتند

شیخ ناظر برجسته ترین قوماندان وفادار به تشیع درباری، در جریان جنگ شبیر به قتل رسید. گروهها حاکمیت که محافظین سید مصطفی کاظمی عامل قتل شیخ ناظر بوده اند. نیروهای نظامی موجود در غرب کابل، از رفتن به جبهه ابا ورزیدند.

محافظین سید مصطفی کاظمی شیخ ناظر را در نزدیکی کوتل شبیر تیرباران نموده اند. خبرنگار ما در ادامه گزارش خود می نویسد که فعلاً تمام نیروهای نظامی موجود در غرب کابل، تصمیم خود مبنی بر عدم شرکت در جنگهای درباری را به اطلاع شورای مرکزی تشیع درباری رسانیده و اعلام کرده اند که تا روشن شدن عوامل قتل شیخ ناظر، در هیچ جنگ و عملیاتی شرکت نخواهند کرد.

پس از کشته شدن شیخ ناظر، برجسته ترین قوماندان وفادار به تشیع درباری در جریان جنگهای شبیر، در میان نیروهای نظامی متعلق به تشیع درباری این یقین حاصل شده است که عامل این قتل سید مصطفی کاظمی و سید حسین انوری بوده اند. به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از کابل، هفته گذشته، حکیم مبارز قوماندان نام نهاد فرقه ۳۴ در جلسه شورای مرکزی تشیع درباری، گزارشی را تقدیم داشت که حاکی از دست داشتن سید مصطفی کاظمی و سید حسین انوری در قتل شیخ ناظر بود. طبق این گزارش، یک روز قبل از سقوط شبیر و شنبلی، شیخ ناظر و سید مصطفی کاظمی شدیداً برخورد لفظی نموده و همدیگر را عامل سقوط جبهات فاشیستی در بامیان قلمداد کرده و در روز سقوط شبیر،

### تهاجم جبهه فاشیستی در شیخ علی به شکست انجامید

در جریان این حمله ناکام، یک چین تانک T55، یک پایه زیو و مقدار زیادی اسلحه، خفیف با مهمات آن به تصرف نیروهای ضد فاشیستی درآمد.

فاشیستی به شکست مواجه شده و با برجای نهادن تلفات و ضایعات فراوانی عقب نشینی کردند. طبق این گزارش در جریان این حمله ناکام، یک چین تانک T55، یک پایه زیو و مقدار زیادی اسلحه، خفیف با مهمات آن به تصرف نیروهای ضد فاشیستی درآمد.

تهاجم شدید جبهه فاشیستی در ولسوالی شیخ علی که با پشتوانه بیارانهای هوایی همراه بود، به شکست انجامید و دشمن با تحمل تلفات و برجای نهادن مقدار زیادی تجهیزات و امکانات نظامی و ادار به عقب نشینی گردید. به گزارش خبرنگار نظامی «صفحه نو» از ولایت پروان، در این حمله که روز سه شنبه ۷۴/۸/۲۳ صورت گرفت، نیروهای تازه نفس جبهه فاشیستی از جبل السراج و چاریکار نیز اشترک ورزیده و از اولین ساعات صبح الی نیمه های ظهر به جنگ خویش دوام دادند و سر انجام در اثر مقاومت شدید مدافعین ضد

### به کابل کی سگد موزائیل د گاره لویدلی دی

به موجوده وخت کښې یو ازی اتلس فیره فعال سگد توغندی په مزار شریف کښې د جنرال عبدالرشید سره شته دی او د رحیم په نوم یو ماهر قوماندان د نظارت لاندی دی.

تیک هغه وخت چی د هرات او جنوب غرب او نورو ولایاتو د «طالبانو» په واسطه سقوط وکړو نو د ټولو نه زیات مسعود زیات مچیو وچیچه طالبان نی نیغ به نیغه د پاکستان گورگایان وویل او درکه نی وکړه چی د ضرورت په وخت کښی به په پاکستان باندي د سگد راکتونه وولی.

د مسعود په دی خبرداری پاکستانی عوامو ته یو لر ویره او شکونه هم پیدا شول او په پاکستانی مطبوعاتو کښی هم پوره انعکاس وکړ.

د سگد موزائیلو د غند یو پخوانی منصبدار چی د نوم دستولو نه نی ووه وکړه په پېښور کښی د «صفحه نو» جریدی خبریال ته وویل چی کله مجاهدین کابل ته راننوتل د سگد په غند کښی ایله اته فیره پاتی وو چی کاملاً بیکاره شوي وو او د استفادی وړ نه وو.

ده وویل چی وروسته تیل او سوختی مواد او برقی وپرونه نی د غند مؤظفینو په خپلو منغوونو کښی تقسیم کړل.

ده زیاته کړه، چی نوموړی غند او بیکاره شوي سگد په لومړی سر کښی د حرکت اسلامی محسنی په قبضه کښی وو خو وروسته د مسعود افرادو واخستل او جبل السراج ته نی منتقل کړل.

نوموړی منصب دار وویل چی په موجوده وخت کښی یو ازی اتلس فیره فعال سگد توغندی په مزار شریف کښی د جنرال عبدالرشید سره شته دی او د رحیم په نوم یو ماهر قوماندان د نظارت لاندی دی. ده زیاته کړه چی د مسعود سره د سگد توغندی کاملاً بیکاره دی او د بیرته جوړولو امکانات نی نشته دی ځکه نو د نوموړی درکی بی ځایه او صرف د پاکستان د ویرولو د پاره دی.